



گفت‌وگوی ادیان در گفت‌وگو با اسقف اعظم فیتز جرالد

عالی‌جناب اسقف اعظم فیتز جرالد H. E. Archbishop Michael Fitzgerald از کشیشان بلند پایه انگلیسی تبار در کلیسای کاتولیک است که دکتری خود را در الاهیات از دانشگاه پاپی گریگوریان در شهر رم کسب نمود و تحصیلات خود را در قلمرو علوم عربی و اسلامی در مؤسسه مطالعات آسیایی و آفریقایی دانشگاه لندن به انجام رساند. وی دارای تجربه و سابقه خدمت در کشورهای اسلامی و نیز آشنایی و ارتباط با مسلمانان است. تألیفات متعددی نیز در خصوص گفت‌وگوی ادیان داشته که معروف‌ترین آن، کتاب ذیل است که در سال ۱۹۹۲ انتشار یافته: *Signs of Christian Encounter with Muslims* وی در حال حاضر رئیس شورای پاپی گفت‌وگوی ادیان می‌باشد. فیتز جرالد همراه با گروهی از کشیشان و متخصصان بیولوژی و بیواتیک به مناسبت نشست شورای پاپی گفت‌وگوی ادیان و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در پیرامون اخلاق زیستی در اسلام و مسیحیت به ایران سفر کردند و هم‌زمان دیداری نیز از قم و مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب داشتند. فرصت را مغتنم شمرده، ماهیت، و موقعیت کنونی گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت را با ایشان به بحث گذاشتیم.

بِسْمِ اللَّهِ
ما لیلیم در آغاز با فعالیت‌های دبیرخانه گفت‌وگوی ادیان و اتیکان آشنا شویم.
□ من و آقای خالد عکاشه در شورایی فعالیت می‌کنیم که چهل و یک سال پیش با هدف گفت‌وگوی بین ادیان دایر شد. این شورا چهل و یک سال پیش به منظور کمک به ارتقای روابط مسیحیت با پیروان دیگر ادیان بنیان‌گذاری شد. این شورا می‌کوشد به کلیساهای کاتولیک محلی، در برقراری ارتباط با پیروان ادیان دیگر در حد توان

یاری رسانند، و تاکنون نیز این هدف را از طریق مطالعات انجام شده، کنفرانس‌ها، تألیفات، دیدار با افراد مختلف، سخنرانی‌ها و بازدید از مکان‌هایی که ادیان مختلف در آنجا شکل گرفته‌اند، به ویژه مدارس علمیه دنبال کرده است، و می‌کوشد تا دریابد که آنچه ادیان مختلف در قالب کشیش و روحانی، و زنان و مردان مذهبی ارائه می‌کنند با چیزی که پیروان همان ادیان به آنها اعتقاد دارند مطابق است یا نه؟

فعالیت‌های شورای پاپی محدوده بسیار وسیعی را در بر می‌گیرد، زیرا تمام ادیان را به جز یهودیت تحت پوشش قرار داده است. مسئولیت ارتباط با یهودیان را کمیته ویژه دیگری برعهده دارد. ما می‌کوشیم تا به وظیفه خود که دادن مشاوره به کلیساهای محلی، و نیز برقراری ارتباط مستقیم با پیروان دیگر ادیان است به نحو مطلوبی عمل کنیم. به همین منظور نشست‌های متعددی را به عنوان مثال با مسلمانان برگزار می‌کنیم که نشست‌های دو روز اخیر با سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ایران نمونه‌ای از آنهاست که به طور منظم برگزار می‌شود؛ با مسلمانان لیبی هم جلسات منظمی داریم؛ همچنین سلسله جلساتی هم با مسلمانان اردن داشته‌ایم؛ ما زمینه برگزاری جلسات مختلف بین مسلمانان و مسیحیان را در نقاط مختلف جهان فراهم می‌کنیم.

وارد گفت‌وگوهای چند جانبه نیز شده‌ایم؛ در اکتبر سال ۱۹۹۶ یک نشست بین ادیبانی داشتیم که در آن ۲۰۰ نفر شرکت داشتند که نیمی از آنها مسیحی (از فرقه‌های مختلف، نه فقط کاتولیک) و مابقی از ادیان دیگر شامل اسلام و یهودیت بودند و هدف آن بررسی نقش دین در هزاره سوم بود، هزاره‌ای که هم اکنون در آن قرار داریم. در آن نشست، مقالات و سخنرانی‌های زیادی ارائه نشد، تنها یک سخنرانی بود که توسط یک بانوی چینی تبار کاتولیک از کشور مالزی ارائه شد و ما از همگان خواستیم نسبت به موضعی که او در سخنانش ابراز داشت نظر خود را ابراز کنند. به دنبال آن نشست کوچک‌تری را با حضور افرادی از هشت سنت دینی که دارای کتاب مقدس هستند برگزار کردیم و آن را «منابع دینی برای صلح» نامیدیم. در این نشست از نمایندگان این هشت دین خواستیم بگویند که متون دینی صلح را چگونه عرضه می‌کنند و چه کمکی به برقراری صلح و امنیت می‌کنند؟ در عین حال از آنها خواستیم در مورد مطالب موجود در کتب مقدس که به نظر می‌رسد علیه صلح هستند نیز صحبت کنند، یعنی در مورد عبارت‌هایی که ممکن است مشکل‌ساز باشند. من فکر می‌کنم که سمینار کاملاً موفقیتی در باب آن موضوع داشتیم.

سمیناری را نیز با حضور کاتولیک‌هایی که تأملاتی در مورد ادیان فاقد کتاب مقدس دارند برگزار کردیم. همانگونه که می‌دانید در جهان، ادیانی وجود دارند که صرفاً بر سنت‌های شفاهی تکیه دارند و مطمئناً می‌دانید که ارتباط برقرار کردن با پیروان چنین ادیانی کار بسیار مشکلی است، چرا که آنها مردمانی درونگرا هستند و با زبان‌های اروپایی آشنایی ندارند. اما برخی از پیروان این نوع ادیان که ما آنها را ادیان باستانی می‌نامیم در مورد پیامی که می‌توان از این ادیان ارائه کرد، تأملاتی ارزشمند داشتند. مطمئناً ما به راه خود که همانا یافتن شیوه‌هایی است که به مدد آنها دین در فرآیند صلح و آرامش فعال‌تر شود ادامه خواهیم داد.



پیش‌نویس نگرش نوین کلیسای کاتولیک به اسلام، و گفت‌وگو با مسلمانان بر چه مبنایی استوار است؟

□ شالوده، سند و مبنای این نگرش کلیسا نسبت به پیروان دیگر ادیان نشان افتخاری است که به خاطر ارتباط کلیسای کاتولیک با دیگر ادیان در ۲۸ اکتبر سال ۱۹۶۵، یعنی ۴۰ سال پیش رسمیت یافت. من فکر می‌کنم که احترام و تکریم، مضمون اصلی این نگرش است: کلیسای کاتولیک برای پیروان ادیان دیگر احترام قائل است و نیز به تمام

آنچه در این ادیان، مقدس هستند احترام می‌گذارند، و به دلیل همین ارزش‌های موجود ادیان است که انسان‌هایی که از این ادیان پیروی می‌کنند قابل احترام هستند. منشأ این احترام گذاشتن جدای از انسانیت آنها، عقاید و اعمال مذهبی آنهاست.

این سند می‌کوشد به اختصار (چراکه حجم خود سند بسیار اندک است) گزیده‌ای از ارزش‌های این ادیان را به دست دهد؛ به عنوان مثال وقتی که در بند دوم دربارهٔ اسلام صحبت می‌کند، دربارهٔ ایمان مسلمانان به خدای یگانه سخن می‌گوید «خدایی که آفریننده و داور است». در خصوص مسلمانان به اعتقاد آنها به حضرت ابراهیم و به احترام و حرمتی که مسلمانان برای حضرت عیسی قائل‌اند و این‌که او را به عنوان پیامبر قبول دارند اشاره می‌کند و البته تفاوت‌هایی از این قبیل را که مسیحیان حضرت مسیح را پسر خدا می‌دانند نیز متذکر می‌شود و باور مسلمانان به زهد و تقوای حضرت مریم، مادر مسیح را نیز یادآور می‌شود، سپس به گزیده‌ای از راه‌هایی که مسلمانان ایمان خود را به خدا نشان می‌دهند می‌پردازد: نماز، روزه، صدقه و شناخت ارزش زندگی اخلاقی. این سند مسیحیان را ترغیب کرد تا به منظور ستودن این ارزش‌ها و تأیید و ستایش آزادی و تلاش برای صلح، با مسلمانان ارتباط برقرار کنند و با آنها وارد گفت‌وگو شوند و همکاری کنند.

نگرشی که در این سند ابلاغ شد رویکرد جدیدی در کلیسا بود. این سند اظهار می‌دارد که بین مسلمانان و مسیحیان گذشته‌ای مملو از نزاع و روابط خصمانه وجود داشته است، و مخصوصاً از کلیسای کاتولیک درخواست می‌کند که بر این روابط تیره گذشته فائق آید و روابط خوبی را با مسلمانان برقرار نماید. این نگاه، افق جدیدی بود که گشوده شد. از این‌رو در سال‌های ابتدایی شورا که سال‌های تثبیت آن بود شورا باید می‌کوشید تا نشان دهد که این نگرش جدید واقعاً با تمام چیزهایی که از کلیسا آموخته‌ایم سازگاری دارد، و با دیدگاه‌های خود حضرت عیسی نسبت به ادیان دیگر هم منطبق است، یعنی با سلوکی که او در رابطه با پیروان دیگر ادیان داشت همخوان است. این کار با ملاحظات و تأملات کلامی توأم بود و نیز با نشان دادن نقش کلیسا در جهان و معرفی کلیسا به عنوان مظهر فاعلیت خداوند در زمین و این‌که این خداست که مردم را به رستگاری می‌رساند و نجات می‌دهد نه ما، و کلیسا تنها به رستگاری انسان‌ها کمک می‌کند و رستگاری منحصر به کسانی نیست که ظاهراً به کلیسا تعلق دارند؛ بنابراین باید

تمام این مسائل تشریح می‌شد. پیامدهای این سند نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت و خود این سند با دیگر اسناد شورای واتیکان سنجیده شد.

هم‌زمان جمعیت‌های کاتولیک تشویق می‌شدند تا با پیروان ادیان مختلف وارد گفت‌وگو شوند. به منظور راهنمایی آنها برای انجام این کار و این‌که از چه اعمالی باید پرهیز شود مطالبی نگاشته شد و کتابچه‌ای در مورد گفت‌وگوی بین مسیحیان و مسلمانان تهیه شد که در آن، به اختصار، اسلام معرفی شد. در اولین دوره فعالیتیمان با کشورهای اسلامی یا مسلمانانی که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند مانند مصر، عربستان سعودی، لبنان، اندونزی، همچنین ایران ارتباط برقرار کردیم (در سال ۱۹۷۰ که من مشاور شورا بودم دیداری با یک هیئت ایرانی داشتیم. این دیدار در دوران شاه انجام شد و یک هیئت ایرانی هم به سرپرستی دکتر سیدحسین نصر به رم آمدند. من هم اکنون آن جلسه را به خوبی به یاد دارم) این دوره، دوره نشست، دیدار، گفت‌وگو و برقراری ارتباط بود.

اما در دوره دوم، دیگر ما و نزدیکان پاپ در مرکزیت کلیسا نمی‌توانستیم با مسلمانان به طور مستقیم در ارتباط باشیم، چرا که گفت‌وگوی واقعی می‌باید در قشرهای بومی و محلی صورت می‌پذیرفت، از این‌رو دستیاران ما در جمعیت‌های کاتولیک محلی در نواحی مختلف جهان عهده‌دار انجام وظیفه شدند. اینان می‌باید با پیروان ادیان دیگر که در جوارشان زندگی می‌کردند وارد گفت‌وگو شوند و در صورت امکان برای تداوم این روابط سازمان و تشکیلات مناسبی را ایجاد نمایند که این کار در کشورهای مشخصی انجام شد، به عنوان مثال در سال ۱۹۷۱ (یا ۱۹۷۲) تاریخ دقیق آن را به درستی به خاطر نمی‌آورم) دبیرخانه‌ای برای ارتباط با جهان اسلام در فرانسه دایر شد که همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. کار این دبیرخانه آموزش کاتولیک‌ها، برگزاری نشست با مسلمانان و بحث در مورد مشکلات مشترک و برخی اوقات صدور بیانیه‌های مشترک بوده است. مسئولین همواره تشویق می‌شوند تا روابط خوبی در سطوح محلی برقرار کنند. این کار باعث توسعه و پیشرفت کلیساهای محلی شد. هنگامی که من در سال ۱۹۸۷ در این دفتر مشغول به کار شدم، کارنو ارینزه سرپرستی آنجا را به عهده داشت (احتمالاً برخی از شما او را دیده‌اید). من فکر می‌کنم او تا حدی این سه جنبه را به یکدیگر پیوند داد:

۱. تحکیم مبانی قوی کلامی این برنامه؛ ۲. برقراری ارتباط (چرا که او فرد توانایی در برقراری ارتباط بود)؛ ۳. حمایت از اهمیت کلیسا؛ هر جا که می‌رفتیم او

همواره می‌کوشید با هیئت‌های محلی گفت‌وگو کند، با افراد مختلف در حوزه‌های علمی یا دانشگاه‌های کاتولیک دیدار کند. او همیشه در صحبت‌های خود اهمیتی را که کلیسای کاتولیک برای گفت‌وگو قائل است خاطر نشان می‌کرد.

تعداد همکاران ما به زیادی گروه شما نیست، ما تنها دوازده نفر هستیم، در برابر تمام ادیان جهان؛ ما از نظر تعداد اندک هستیم، ولی با افراد دیگری هم همکاری می‌کنیم، مخصوصاً با شورای جهانی کلیساها. کلیساهای دیگر یک شورای جهانی در ژنو دارند. ما رابطه مکاتبه‌ای و همکاری مستمری با دفتر گفت‌وگوی بین ادیان شورای جهانی کلیساها داریم و پروژه‌های خاصی را با همدیگر دنبال می‌کنیم. در جلساتی که از ما دعوت به عمل می‌آید من و آقای خالد هر دو شرکت می‌کنیم، به عنوان مثال هر دو از طرف سراسقف کاتربری دعوت شدیم تا در نشست گفت‌وگو بین مسیحیان و مسلمانان شرکت کنیم، همچنین جلساتی را با کلیساهای ارتدوکس داشته‌ایم. آقای خالد در جلسه‌ای در بحرین شرکت داشت که توسط مقامات محلی و پادشاه بحرین تشکیل شده بود. بنابراین گاهی اوقات هم که خودمان برنامه‌ای نداریم با دیگران همکاری می‌کنیم یا در جلساتی که دیگران ترتیب می‌دهند شرکت می‌کنیم.

پرسش در این گفت‌وگوها معمولاً چه موضوعاتی مورد بررسی قرار می‌گیرند؟

□ ما در دفتری کار می‌کنیم که برای گفت‌وگوی بین ادیان با تأکید بر داشتن ماهیتی دینی دایر شده است؛ بنابراین مشکلات سیاسی‌ای که مقامات واتیکان با آنها روبرو هستند مشکلات ما نیست، چرا که ما اغلب، مشکلات و سؤالات اجتماعی را بررسی می‌کنیم؛ از قبیل همین موضوعاتی که هم اکنون در موردشان بحث کردیم «اخلاق زیستی»؛ آموزش دینی در سطوح مختلف به ویژه در سطح عالی و دانشگاهی یکی از مضامینی بوده که همواره مورد اهتمام ما بوده است؛ نشستی در باب نقش زن در جامعه مسیحی و اسلامی داشتیم؛ جلسه‌ای هم در مورد حقوق کودکان داشتیم؛ در مورد کاربرد منابع طبیعی و چگونگی استفاده از این منابع و تقسیم عادلانه منابع طبیعی صحبت کرده‌ایم و نیز درباره این‌که چگونه به این منابع احترام بگذاریم؛ جلسه‌ای درباره فرهنگ گفت‌وگو داشته‌ایم، که چگونه آن را توسعه دهیم؛ با دوستان ایرانی خود هم جلسه‌ای در مورد جوانان و دین داشته‌ایم. اولین جلسه‌ای که در ایران داشتیم در مورد مدرنیته و پاسخ

کلامی به مدرنیته بود، و این‌که به عنوان مسلمان و مسیحی چگونه باید از نظر اعتقادی، مدرنیته را ارزشیابی کنیم، یا به عنوان مسلمان و مسیحی چگونه باید با پلورالیزم دینی مواجه شویم، خود این مضامین می‌توانند مسائل زیادی را طرح کنند. ما با گروهی دیگر در حال بررسی ابعاد توسعه هستیم، البته با اشاره ویژه به مسئله مهاجرت که یکی از مشکلات دنیای امروز است. خوب، چرا انسان‌ها مهاجرت می‌کنند؟ به خاطر این‌که در کشورشان پیشرفت کافی وجود ندارد. اگر ما به عنوان افراد متدین بتوانیم کاری در جهت تحقق این پیشرفت بکنیم ممکن است مهاجرت کمتری در جهان انجام شود، چراکه این مهاجرت‌ها مشکلات بسیار جدی‌ای را ایجاد می‌کند. ما در گفت‌وگوهای خود خیلی به ندرت مستقیماً به مضامین کلامی پرداخته‌ایم. من فکر می‌کنم که هنوز مشکلاتی بین مسلمانان و مسیحیان وجود دارد، اما این خود ما (مسلمانان و مسیحیان) نیستیم که آنها را به وجود می‌آوریم.

پرسش به صراحت می‌پرسم که برخی رویکرد مسیحیت به گفت‌وگو را در تداوم همان حرکت‌های تبشیری می‌دانند، یعنی گویا فقط روش‌ها تغییر یافته است؛ نظر شما در این خصوص چیست؟

□ من خودم به یک جمعیت میسیونری تعلق دارم، من متعلق به جمعیتی هستم که به آفریقا مبلغ می‌فرستد. ما به این نتیجه رسیده‌ایم که پیام کتاب مقدس را به آفریقا ببریم، کاری که از سال ۱۹۶۸ تاکنون انجام داده‌ایم و هم اکنون نیز انجام می‌دهیم. جمعیت مادر الجزایر که یک کشور اسلامی است پایه‌گذاری شده. آنچه ما به دست آورده‌ایم این است که گرچه باید مأموریت تبلیغی خود را انجام دهیم، ولی باید به مسلمانان احترام بگذاریم؛ نباید صرفاً به آنجا برویم و خودمان را تحمیل کنیم، بلکه باید خودمان را معرفی کنیم. البته من با شما موافقم که در جهان، مبلغان مسیحی خیلی متعصبی هم وجود دارند که برای مردمی که با آنها گفت‌وگو می‌کنند احترامی قائل نیستند. این نوع معرفی پیام مسیح گاهی پرخاشگرانه است و گاهی برای نشان دادن ضعف ادیان دیگر و حمله به آنها است؛ یقیناً شیوه کلیسای کاتولیک این نیست. کلیسای کاتولیک مطمئناً رسالتی دارد و می‌خواهد پیام کتاب مقدس را اشاعه دهد. ما این رسالت را از حضرت عیسی فرا گرفته‌ایم و نمی‌توانیم آن را کنار بگذاریم، البته که ما می‌خواهیم پیام او را

ترویج کنیم و می‌خواهیم به مردم کمک کنیم تا او را بشناسند و دوستش بدارند و اگر حس کردند که می‌خواهند پیام او را بپذیرند بتوانند به جمعیت مسیحیان پیوندند. اما این پیام باید به مردم پیشنهاد شود نه تحمیل؛ البته ما باید بپذیریم که در گذشته همواره اینگونه نبوده است، پدر آنیبال اهل برزیل می‌تواند برای شما بگوید که در کشورش چگونه عده زیادی را از آفریقا به عنوان برده به آنجا می‌آوردند و به محض رسیدن به آنجا آنها را غسل تعمید می‌دادند و به زور آنها را مسیحی می‌کردند و هرگز از آنها نمی‌خواستند که خودشان بیایند و مسیحی شوند. اما این رسم کلیسا نیست، این روش عده‌ای از مسیحیان بوده است. یکی از اسناد شورای ما مخصوصاً در مورد همین مسئله است: «گفت‌وگو و بیانیه» یعنی اهمیت گفت‌وگو در کلیسا و همچنین ضرورت اعلام پیام حضرت عیسی و این‌که چه ارتباطی میان این دو وجود دارد؟ در آن سند به طور کامل به این سؤال پاسخ داده‌ایم. من فکر می‌کنم که این سند بسیار جالب است. نمی‌دانم چیزی درباره آن می‌دانید یا نه، ما می‌توانیم آن را برای شما بفرستیم، چون واقعاً ارزش مطالعه دارد و ترجمه آن نیز به فارسی می‌تواند جالب باشد.

پیش‌نویس برآورد شما از گفت‌وگوهای صورت گرفته چیست؟ چه راهکارهایی را

برای توفیق بیشتر در گفت‌وگو مؤثر می‌دانید؟

□ من فکر می‌کنم اگر بخواهیم در گفت‌وگو پیشرفت داشته باشیم باید اعتماد و اطمینان متقابل وجود داشته باشد. اگر ما بخواهیم یکدیگر را بهتر بشناسیم این موضوع را باید مهم بدانیم. ما همواره می‌کوشیم که اینگونه عمل کنیم، اما در عین حال میزان موفقیت ما به مضمونی که بدان می‌پردازیم و به نوع تدبیر ما بستگی دارد؛ مثلاً در این بحثی که در این روزها داشتیم، یعنی اخلاق زیستی و مشکلات بیولوژیک، من و آقای خالد در این زمینه متخصص نیستیم، می‌توانستیم مطالبی را بگوییم اما متخصص نیستیم، بنابراین از متخصصان این رشته خواستیم که به عنوان اعضای هیئت ما نظرات کاملاً علمی خود را در این زمینه بیان کنند، البته با دیدگاه دینی؛ فکر می‌کنم اکثر افرادی که هم اکنون در گروه ما هستند قبلاً ارتباطی با مسلمانان نداشته‌اند و این مسئله تجربه جدید و سودمندی برای کارهای آینده آنها نیز می‌باشد. بنابراین من فکر می‌کنم که ترکیبی از استمرار استفاده از متخصصان در بحث‌های خاص مفید خواهد بود. ما واقعاً دیدگاه دینی را

ارج می‌نهییم و به مسائل مختلف از دید دینی نگاه می‌کنیم، چرا که گفت‌وگوی ما یک مذاکره سیاسی نیست، ما مذاکره نمی‌کنیم، ما با هم مبادله می‌کنیم. ما تلاش نمی‌کنیم که لزوماً با هم به توافق برسیم؛ هر جا که اتفاق نظر داشته باشیم خوشحال می‌شویم و پیش می‌رویم و به یکدیگر بیشتر اعتماد می‌کنیم.



پس این گفت‌گوها تا چه اندازه در بهبود نگاه مسیحیان به مسلمانان مؤثر

بوده است؟

□ من در مورد سند شورایمان صحبت کردم: این‌که کلیسا با دیده احترام به مسلمانان نگاه می‌کند؛ من گاهی اوقات به همکیشان خود می‌گویم که راه درست، همین است؛ مردم کشور من یا مردم امریکا یا دیگران می‌گویند بعد از ۱۱ سپتامبر چطور؟ بعد از ۱۱ سپتامبر چه دیدی باید نسبت به مسلمانان داشته باشیم؟ آیا به آنها احترام بگذاریم یا از آنها بترسیم؟ چیزی که ما می‌بینیم این است؛ بین کاتولیک‌ها و همه مسیحیان و حتی بین کسانی که اصلاً دین ندارند و از دین فاصله زیادی دارند ترس و نگرانی را می‌بینیم. این ترس اغلب از اسلام است و نه از مسلمانان و من فکر می‌کنم که بخشی از وظیفه ما و همچنین خود مسلمانان، مانند این کاری که شما انجام می‌دهید، بیان کردن و نشان دادن

این مطلب است که تنوع و تکثر زیادی در اسلام وجود دارد و این که اسلام یک نگرش سخت و بسته‌ای نیست که در مقابل شما قرار گرفته، شما را می‌ترساند، بلکه نظرات بسیار متنوعی در اسلام وجود دارد و این که ما اسلام را هوادار تروریسم بدانیم کار درست و عادلانه‌ای نیست. بنابراین در پاسخ به سؤال شما می‌گوییم که مواضع گذشته کمابیش هنوز باقی است، اما ما به تلاش‌های خود ادامه می‌دهیم و گفت‌وگو و روابطمان با کلیساهای محلی را پیگیری می‌کنیم و می‌کوشیم تا بین مسلمانان و مسیحیان جهان از نو اطمینان و اعتماد را ایجاد کنیم.

اما در مورد آنچه شما گفتید که مسلمانان به ما بدگمان هستند و می‌گویند شما این کارها را انجام می‌دهید تا دین ما را تغییر دهید ما همیشه باید بکوشیم که بر این شک غلبه کنیم، این شک می‌تواند وجود داشته باشد و هنگامی که مردم می‌خواهند به کمک هم بروند این شک ایجاد می‌شود؛ آنها به یکدیگر می‌گویند شما این کار را انجام می‌دهید تا ضعف مردم و دینشان را نشان بدهید و آنها را مسیحی کنید و این درست نیست. ما به واقع این کمک‌هایی را که در کشورهای مختلف انجام می‌دهیم به خاطر این است که ما به عنوان مسیحی وظیفه خود می‌دانیم تا به کسانی که در رنج هستند کمک کنیم. ما باید تلاش زیادی کنیم تا کاتولیک‌ها و دیگران را متقاعد کنیم که هدف اصلی این گفت‌وگوها و روابطی که ما ایجاد می‌کنیم ستایش و تحمید خداوند است.